

# اصطلاح‌شناسی: علم‌یا شناخت

• دکتر ناهید بنی‌اقبال  
عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد تهران شمال



• هلموت فلبر، مبانی اصطلاح‌شناسی، ترجمه  
محسن عزیزی، تهران، مرکز اطلاعات و مدارک  
علمی، چاپ اول، ۱۳۸۱، ۵۲۸ ص.

سخن را با جمله‌ای از فلبر آغاز می‌کنم. او معتقد است: «بنیان نظری اصطلاح‌شناسی در توسعه اصول و روش‌های اصطلاح‌شناسی بسیار مهم است و بدون مبانی مناسب، نمی‌توان پیشرفتی در اصطلاح‌شناسی انتظار داشت». (ص ۷۹)

گفته فوق را با فرازی از کانت مؤکد می‌کنم زیرا او نیز معتقد است که: «بدون معانی و مفاهیم کلی و ضروری، تفکر فلسفی و اصولاً فکر، ممکن نیست و برای نیل به معرفت، وجود معانی و مفاهیم و تبیین و توجیه آنها ضروری است.» (هارتناک، ۱۳۷۶، ص ۱۰).

خوشبختانه همان‌گونه که فلبر نیز در مقدمه کتاب متذکر می‌شود «در چند دهه اخیر علم اصطلاح‌شناسی، فعالیت‌های مربوط به آن و مستندسازی اصطلاحات پیشرفت چشم‌گیری داشته و در حال حاضر به سرعت رو به پیشرفت است.» ما نیز در کشور خود شاهد برگزاری سمینارها و دوره‌های آموزشی زیادی در زمینه اصطلاح‌شناسی و لزوم تدوین اصطلاحنامه‌ها و اهمیت آن در مؤسسات پژوهشی و آموزشی هستیم. ترجمه این کتاب نیز خود شاهدهی بر اهمیت پرداختن به علم اصطلاح‌شناسی و لزوم تدوین اصول و استانداردهایی در سطوح بین‌المللی و ملی برای تهیه و تدوین اصطلاحنامه‌هاست.

فلبر تجربیاتی در طی انجام امور اجرایی به عنوان عضو کمیته‌های اصطلاح‌شناسی و همکاری در پروژه‌های اصطلاح‌شناسی و تدریس علم اصطلاح‌شناسی در دانشگاه و مدیریت مرکز بین‌المللی اطلاعات اصطلاح‌شناسی (اینفوترم) کسب کرد که حاصل آن کتاب مبانی اصطلاح‌شناسی است.

مطالب کتاب در هفت فصل تنظیم شده است که حقیقتاً هر کدام بخشی جداگانه و بدون ارتباط با دیگر قسمت‌های کتاب قابل استفاده است. به عنوان نمونه در فصل اول که اصطلاح‌شناسی را از منظر علمی بررسی می‌کند، به چون و چرایی اصطلاح‌شناسی با دید کلی پرداخته است. مقوله‌هایی از قبیل اصطلاح‌شناسی چیست؟ چرا اصطلاح‌شناسی اهمیت دارد؟ و در پاسخ به پرسش: از اصطلاح‌شناسی چه استنباطی باید داشت؟ به طرح مدل ووستر (WU2J91) می‌پردازد که در مقاله‌ای با عنوان «چهار بُعد اصطلاح‌شناسی» به طرح ویژگی‌های زبان پرداخته است و این ابعاد را با جزئیاتی در یک جدول بیان می‌کند و سپس تمامی آنها را به تفصیل مورد بحث قرار می‌دهد. این چهار بُعد به ترتیب عبارت است از:

- الف - حوزه‌های موضوعی
- ب - زبان‌ها
- پ - رویکرد به زبان
- ت - میزان انتزاعی بودن

اصطلاح‌شناسان، یا به عبارت دیگر متخصصان موضوعی که از آموزش‌های بیشتری در اصطلاح‌شناسی برخوردار شده‌اند، باقی بماند.» (ص ۱۷)

فلبر پس از بحث در زمینه تدوین اصطلاحنامه، آموزش اصطلاح‌شناسی و هماهنگی کار اصطلاح‌شناسی در مقوله کاربرد اصطلاح‌شناسی به بحث در رویکرد زبان می‌رسد و با مطرح کردن دو چشم‌انداز زبان، الف در سطح انتزاعی، ب در سطح مطالعه بنیادی، تعامل این دو سطح را بیان می‌کند.

در بحث مشخص کردن فعالیت‌های اصطلاح‌شناسی اعم از گردآوری، ثبت، مستندسازی، تشریح، مقایسه و تعیین وضعیت معادل‌ها به مقوله استانداردها می‌رسد و در بخشی تحت عنوان «استاندارد کردن اصطلاح‌شناسی» به توضیح (اصطلاح‌شناسی توصیفی) در کنار (اصطلاح‌شناسی تجویزی) می‌پردازد و بیان می‌کند، در زبان‌های تخصصی به علت رشد سریع علم و فن آوری تعداد فراوانی از مفاهیم و اصطلاحات خلق می‌شوند (میلیون‌ها مفهوم برای یک حوزه منفرد موضوعی) که این توسعه آزاد اصطلاح‌شناسی موجب آشفتگی غیرقابل تحملی در اصطلاحات می‌شود و به همین دلیل اصطلاح‌شناسان در قرن گذشته به منظور یکپارچه سازی و استاندارد کردن مفاهیم و اصطلاحات کمیسیون‌هایی برای اصطلاح‌شناسی بنیان نهادند. استاندارد کردن اصطلاح‌شناسی در علم در قرن نوزدهم و در فن آوری در ابتدای قرن بیستم آغاز گردید. (ص ۲۴) راهنماهای یکدست‌سازی اصطلاحات نیز در دو زمینه به وجود آمد:

۱. استاندارد کردن اصول و روش‌های اصطلاح‌شناسی برای اصطلاح‌نگاری.

۲. استاندارد کردن واژگان (استانداردهای اصطلاح‌شناسی).  
فلبر معتقد است: «مسئله بسیار مهم در استاندارد کردن اصطلاح‌شناسی، کاربرد استانداردهای بین‌المللی است که از طرفی اشاعه گسترده اطلاعات درباره وجود چنین راهنماها و استانداردها و از طرف دیگر دوره‌های آموزشی را برای کاربرد این استانداردها طلب می‌کند.» (ص ۲۶) آنچه فلبر بر آن تأکید دارد بازنگری دوره‌ای استانداردها و ملحوظ کردن نتایج پیشرفت‌های نوین و تجارب عملی ناشی از کاربرد این استانداردها و در صورت نیاز خلق استانداردهای ابداعی جدید در بازنگری است.

به دنبال این تأکید فلبر به ذکر تاریخچه مفصلی از مراحل تدوین استانداردهای بین‌المللی می‌پردازد و آن را در سه مرحله بیان می‌کند:

۱. از سال ۱۹۳۶ تا ۱۹۳۹ م. که با تشکیل ۱۲۵۲۸ سال ۱۹۳۶ م. آغاز و پس از تشکیل «کمیسیون بین‌المللی

به عنوان نمونه در بُعد زبان‌ها، ویژگی فرارشته‌ای و فرازبانی اصطلاح‌شناسی را مورد بررسی قرار داده به جایگاه آن در نمودار مدل و ستر اشاره دارد؛ یا در بُعد رویکرد به زبان، نگرش افراد به اصطلاح‌شناسی را در سه سطح رده‌بندی می‌کند:

سطح اول، کسانی که با رسیدگی به اسناد اصطلاح‌شناسی کار مستندسازی اصطلاح‌شناسی را برعهده دارند و نقطه نظرات مستقل اصطلاح‌شناسی مستندسازان را هماهنگ می‌کنند.

سطح دوم، استفاده‌کنندگان از اصطلاحنامه‌ها از جمله مترجمین و نویسندگان فنی هستند. (معلوم نیست که چرا کتابداران و نمایه‌سازان را از قلم انداخته است؟)

سطح سوم، افرادی هستند که در اصطلاح‌شناسی تعمق می‌کنند و به بررسی و ایجاد نظام‌های مفاهیم و اصطلاحات می‌پردازند.

فلبر تنها این گروه را اصطلاح‌شناسان واقعی می‌داند و از کار آنها به عنوان «کار روشمند» یاد می‌کند و سه مرحله زیر را در این کاراز هم متمایز می‌سازد.

مرحله اول، بررسی نظام اصطلاح‌شناسی که توصیف کاربرد جاری اصطلاح‌شناسی و قابلیت توسعه آن است.

مرحله دوم، ایجاد نظام اصطلاح‌شناسی است که نوعی نظام تکوینی است. در صورتی که اصطلاحی به وسیله توصیه رسمی بسط و گسترش یابد چه بسا سال‌ها در رقابت با اصطلاحی که با شیوه توصیفی رواج یافته باشد؛ مانند مواردی که این روزها در جامعه خودشاهد آن هستیم که اصطلاحات توصیفی مردم مدت‌ها با مصوبات فرهنگستان‌ها رقابت می‌کند.

مرحله سوم، ارائه نظام اصطلاح‌شناسی است. کار کاربردی اصطلاح‌شناسی به ایجاد مجموعه واژگان منجر می‌شود. کار بنیادی اصطلاح‌شناسی بر اساس اصول گردآوری واژگان‌های موضوعی دستیابی به استانداردها و خط‌مشی‌های پرداختن به مفاهیم و اصطلاحات را در پی دارد. به عنوان نمونه یکی از اصول مهم آن است که واژگان یک حوزه موضوعی باید نظام مفاهیم را به روشنی تمام منعکس کند و بدیهی است که چنین کارهای بنیادی را باید به شیوه‌ای نظاممند و نه الفبایی تنظیم کرد. (ص ۱۷۱۵)

فلبر در این زمینه به مقوله رده‌بندی‌های موضوعی اشاره می‌کند و متذکر می‌شود که «اصطلاح‌شناسان و مستندسازان باید ضرورتاً و فوراً برای ایجاد طبقه‌بندی‌های مشترک و ارتقای مبانی مشترک رده‌بندی با یکدیگر نشست‌هایی داشته باشند.» (ص ۱۷)

آنچه که او به درستی بر آن تأکید دارد و باید در جامعه علمی و اطلاع‌رسانی ما نیز اعمال شود این است که «کار روشمند باید در قلمرو

کتابخانه «ووستر» و پرونده‌های پژوهشی اینفوترم، تحولات آینده، ترم نت (شبکه بین‌المللی اصطلاح‌شناسی)، برنامه‌های ترم نت ۲، ۳، ۴، داده‌های کتاب‌شناختی متون اصطلاح‌شناسی و پنج پیوست آگاهی دهنده باقی مانده فصل یک را تشکیل می‌دهد.

در حقیقت فصل یک این کتاب به همراه منابع این فصل که بالغ بر ۱۲۰ عنوان است می‌تواند به صورت بخش مجزایی در معرفی سازمان‌ها و فعالیت‌های اصطلاح‌شناسی منتشر شود و جویندگان این اطلاعات را بی‌نیاز سازد.

اما فصل دوم که خیلی خلاصه است به بحث درباره نظریه‌ی عمومی اصطلاح‌شناسی و ارتباط آن با دیگر زمینه‌ها می‌پردازد. نظریه عمومی اصطلاح‌شناسی (Terminology = Terminology). یکی از اجزای متشکله علم اصطلاح‌شناسی است که در چندین دهه اخیر شکل گرفته و در قالب سه رویکرد عمده در تحقیقات اصطلاح‌شناسی ظاهر می‌شود:

– رویکرد معطوف به حوزه‌های موضوعی؛

– رویکرد معطوف به فلسفه؛

– رویکرد معطوف به زبان‌شناسی.

بر اساس نظریه ووستر که بنیانگذار مدرسه اصطلاح‌شناسی وین است بین نظریه عمومی اصطلاح‌شناسی و نظریه‌های خاص اصطلاح‌شناسی که مربوط به رشته‌های خاص و یا زبان‌های خاص می‌شود تفاوت وجود دارد. علاوه بر تفاوت بین نظریه عمومی اصطلاح‌شناسی و نظریه‌هایی که به زبان متعارف می‌پردازد در الگوی اصطلاحی ووستر که مشتمل بر چهار حوزه طراحی شده است فقط دو رابطه بنیادی بین چهار حوزه وجود دارد که عبارت است از: شیئی، مفهوم، نماد و معنا.

در بررسی ارتباط نظریه عمومی اصطلاح‌شناسی با سایر رشته‌ها، موارد زیر مورد بحث قرار گرفته است:

ارتباط با هستی‌شناسی، منطق، معرفت‌شناسی، زبان‌شناسی، زبان‌شناسی کاربردی، نظریه ارتباطات از جهت محتوا و شکل بیرونی و بالاخره ارتباط با علم اطلاع‌رسانی و مستندسازی از جهت رابطه با نظریه رده‌بندی و علم رایانه.

در فصل سوم کتاب، روش‌ها و اصول اصطلاح‌شناختی بر مبنای یکسان‌سازی کار اصطلاح‌شناسی مطرح است. این اصول و روش‌ها به تحلیل مفاهیم، تعیین منظور آنها، بررسی روابط مفاهیم، طراحی نظام‌های مفاهیم، جداول و توصیف مفاهیم (تعریف، نسبت مفهوم نام، اصطلاح، نماد و...) یا بالعکس، گزینش واژه‌ها یا عناصر واژگانی مناسب برای تشکیل اصطلاحات، خلق اصطلاحات جدید مناسب... مربوط می‌شود. (ص ۱۵۲)

الکتروتکنیکال = IEO» و «واژگان بین‌المللی الکترو تکنیکال = IEV» و انتشار اولین ویراست آن به شش زبان در سال ۱۹۳۸م. به علت جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۳۹م. متوقف شد.

۲. از سال ۱۹۵۲ تا ۱۹۷۳م. که با فعالیت تحقیقاتی فشرده‌ای در حوزه اصطلاح‌شناسی توسط دبیرخانه ایزو / تی. سی. ۳۷ آغاز گردید و به تدوین شش توصیه و یک استاندارد ایزو در بین سال‌های ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۳ م. انجامید.

۳. از سال ۱۹۷۴م. به بعد که با تصمیم لزوم بازنگری شش توصیه و یک استاندارد ایزو در سال ۱۹۷۴م. آغاز و با تشکیل چند کمیته فرعی و چند گروه کاری و نشست‌های مختلف کمیته فنی ایزو ۳۷، فعالیت‌های بسیاری را در زمینه استانداردهای اصطلاح‌شناسی انجام داده است. بخشی از این فصل به معرفی سازمان ایزو، تعداد اعضا، فعالیت‌ها، کمیسیون‌ها و سایر مراکز دست‌اندرکار تهیه استانداردها اختصاص دارد. سپس فلبر به معرفی تهیه‌کنندگان اصطلاحنامه‌ها، مکتب‌های اصطلاح‌شناسی: وین، پراگ، شوروی، کانادا، آلمان غربی، آلمان شرقی، انگلستان و کشورهای اسکانندیناوی می‌پردازد.

گزارش فلبر از همکاری‌های بین‌المللی در تحقیقات اصطلاح‌شناسی، کمک‌های رایانه‌ای در کار اصطلاح‌شناسی، اطلاعات اصطلاح‌شناسی، بانک‌های داده‌های اصطلاح‌شناسی، بانک‌های تحقیقات اصطلاح‌شناسی، هماهنگی جهانی فعالیت‌ها در این زمینه و تلاش‌های جاری یونسکو اطلاعات فراوانی را در اختیار مطالعه‌کننده قرار می‌دهد.

فلبر تلاش‌های یونسکو را به چند دهه تقسیم می‌کند:

۱. دهه «هلمستروم» (Holmstrom) (از ۱۹۴۹ تا ۱۹۵۸م.؛

۲. دهه میانی از ۱۹۵۹ تا ۱۹۶۸م. دهه بعد از هلمستروم؛

۳. دهه یونی سیست (UNISIST) (از ۱۹۶۹م. تا کنون،

ص ۶۶-۶۹)

فلبر معتقد است: «تنها پروژه یونی سیست بود که تجدیدحیات دیگری را در این راستا باعث شد.» از عمده‌ترین اقدامات یونی سیست تأسیس و راه‌اندازی «مرکز بین‌المللی اطلاعات اصطلاح‌شناسی = اینفوترم» است که قرارداد آن را با مؤسسه استاندارد اتریش، که مسئولیت دبیرخانه کمیته فنی ۳۷ اصطلاح‌شناسی ایزو را برعهده داشت، منعقد کرد. تاریخچه اینفوترم وظایف و فعالیت‌های اینفوترم اعم از گردآوری و تحلیل اطلاعات اصطلاح‌شناسی، گردآوری واژگان استاندارد، خدمات مشاوره و اطلاع‌رسانی، سردبیری و تألیف، کارهای پژوهشی در زمینه اصطلاح‌شناسی، طرح‌های آزمایشی، تدریس و تعلیم اصطلاح‌شناسی، سازماندهی کنفرانس‌ها و سمپوزیم‌ها، امور

در ادامه فصل هدف‌های هر کدام از سه مورد فوق با ویژگی‌های آن ذکر شده و نمونه‌هایی برای هر مقوله ارائه گردیده است. مطالعه این فصل را باید به کتابداران و اطلاع‌رسانان به خصوص کسانی که دست‌اندرکار تهیه بانک‌های داده‌ها هستند توصیه کرد. آنچه در این کتاب قابل توجه است منابع فراوانی است که در پایان هر فصل و در انتهای کتاب می‌آید و کتاب را به کتابشناسی گونه‌ای در زمینه فعالیت‌های اصطلاح‌شناسی تبدیل کرده است. همان‌گونه که مدیر گروه پژوهشی اصطلاح‌شناسی مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران سرکار خانم ملوک‌السادات بهشتی هم در مقدمه کتاب اشاره دارند، «مترجمین متون تخصصی اولین کسانی هستند که کمبود و نقصان اصطلاحات را جهت انتقال آن به زبان‌های گوناگون درک می‌کنند.» کتابداران و اطلاع‌رسانان به خصوص نمایه‌سازان، بیشترین کسانی هستند که عملاً در کار خود گرفتار این نقصان اصطلاحات تخصصی هستند و تمامی فعالیت‌های هفتگانه برشمرده در مقدمه کتاب توسط این مرکز را ارج می‌نهند و سپاس‌گزارند و چشم به راه تدوین و ترجمه کتاب‌هایی از این قبیل هستند. و اما در خصوص ترجمه کتاب، جای دارد از زحمات آقای محسن عزیزی که به این کار پرتلاش همت گماشته‌اند، تشکر شود. متن کتاب نیازمند ویراستاری زبانی است تا موجب روانی و تطابق بیشتر با متن انگلیسی آن شود.

از نظر خصوصیات ظاهری علی‌رغم کاغذ مرغوب و چاپ زیبای آن، صحافی بسیار نامطلوب و بی‌دوامی دارد که با چند نوبت استفاده اوراق از شیرازه جدا می‌شود. به امید برطرف کردن این ضعف‌ها در ویرایش آینده کتاب.

## منابع:

۱. فلبر، هلموت، مبانی اصطلاح‌شناسی، ترجمه محسن عزیزی، تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۹۸۱.
۲. هارتناک، یوستوس، نظریه معرفت در فلسفه کانت، ترجمه غلامعلی حداد عادل، تهران: فکر روز، ۱۳۷۶.

فلبر معتقد است از این فصل آن قسمتی که به مفاهیم می‌پردازد در هر زبانی کاربرد دارد. اما آن بخش که به نام‌ها (اصطلاحات، نمادها و...) می‌پردازد معمولاً در زبان‌های هند و اروپایی و در برخی از موارد فقط در زبان انگلیسی کاربرد دارد.

مقوله‌های مورد بررسی عبارت است از: اصول حاکم، روابط مفاهیم، نظام‌های مفهومی و موضوعی، توصیف مفاهیم، اصطلاحات و نسبت اصطلاح مفهوم و بالعکس فصل چهارم به روش‌های اصطلاح‌نگاری اختصاص یافته است. دو نوع اصطلاح‌نگاری معرفی می‌شود: اصطلاح‌نگاری توصیفی که کاربرد اصطلاح را آن طور که هست و اصطلاح‌نگاری تجویزی که کاربرد اصطلاح را آن گونه که باید باشد ثبت می‌کند. در محافل علمی نوعی از اصطلاح‌نگاری به کار گرفته شده که بر ایده سیلان مفاهیم علمی استوار است و این نوع اصطلاح‌نگاری را می‌توان توصیه کرد؛ اما ثبت اصطلاح‌شناسی چه توصیفی، چه تجویزی و توصیه‌ای به خودی خود یک غایت نیست، بلکه شرط لازم در اشاعه مؤثر آنهاست. (ص ۲۵۰) در ادامه فصل پس از ذکر تاریخچه و چشم‌اندازها، کاربرد روش‌های یکسان، نهاد‌های اصطلاح‌شناسی، کدهای زبانی، نمادهای واژگان رده‌بندی، نهاد‌های اصطلاح‌نامه‌های مستندسازی و داده‌های اصطلاح‌نگاشتی آمده است و نمونه‌هایی از اصطلاح‌نامه‌های یک زبانه و چند زبانه البته به زبان انگلیسی ارائه شده است و در انتها مقایسه‌ای بین واژگان اصطلاح‌شناختی و اصطلاح‌نامه مستندسازی انجام گرفته و نمونه‌هایی ضمیمه شده است. به طور کلی اطلاعات ارائه شده در این فصل برای طراحان نرم افزارهای اصطلاح‌نامه‌های بسیار مفید است.

فصل پنجم کتاب به برنامه‌ریزی و اجرای پروژه‌های اصطلاح‌شناسی می‌پردازد که ترکیبی از کار اصطلاح‌شناختی و اصطلاح‌نگاشتی یعنی کاربرد اصول اصطلاح‌شناختی و روش‌های اصطلاح‌نگاشتی است. اصول اصطلاح‌شناختی بر اساس فصل سوم و کار اصطلاح‌نگاشتی بر اساس فصل چهارم به تفصیل و تشریح آمده باید با برنامه‌ریزی، آماده‌سازی و اجرای مراحل گوناگون برشمرده در این فصل‌ها انجام شود.

فصل ششم به چگونگی مستندسازی اصطلاح‌شناسی می‌پردازد. فلبر معتقد است: مستندسازی یک علم و یک عمل و مقوله‌ای فرارشته‌ای است. یعنی در هر حوزه دانش و هر فعالیت انسانی کاربرد دارد؛ که به روش‌های دستی یا خودکار انجام می‌گیرد.

در مستندسازی اصطلاح‌شناسی سه نوع مستندسازی را معرفی می‌کند. مستندسازی آثار مکتوب؛ مستندسازی داده‌های اصطلاح‌شناختی، و مستندسازی داده‌های رخداد نگاشتی (763109169110).